

سیاسی ❖ فرهنگی ❖ اجتماعی ❖ آموزشی  
علمی ❖ اقتصادی ❖ بین الملل ❖ حقوقی

شماره هفتم/یکم مرداد هزار و سیصد و نودون/یکم ذی الحجه هزار و  
چهارصد و چهل و یک/بیست و دو ژوئیه دوهزار و بیست



مجله خبری تبیینی  
**افق تحلیل**

O F O G H T A H L I L . I R

### پیامبر اکرم (ص) میفرمایند:

از نشانه های برکت زن آن است که  
خواستگاری اش بی تکلف و آسان انجام گیرد

کنزالاعمال، جلد ۱۶، ص ۳۲۲



۱	سخن مدیر مسئول
۲	ازدواج ، از مسئله تا بحران
۵	معرفی کتاب
۶	از ارزان شدن گناه تا گران شدن ازدواج
۷	فرهنگ لق
۸	اسلحه و معیشت
۱۱	مشکلات ازدواج
۱۳	محبوبم
۱۵	معرفی فیلم
۱۶	داستانک

فریبا بی پوش، زهره صالحی  
 فریده عبدالوهابی، سیدعلیرضا تقدیری  
 مدیر هنری: سید علیرضا تقدیری  
 گرافیک، ارتباطات و رسانه: نیکان هنر ایرانیان باستان (نهاب)  
 پشتیبان سایت و اپلیکیشن: کیوان قاسمی  
 تدوین، تیزر و موشن گرافیک: سیدعلیرضا تقدیری

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم تحقیقات  
 مدیر مسئول: سید علیرضا تقدیری  
 ناظر علمی: داود مرادی  
 قائم مقام: علیرضا خانکی  
 سردبیر: علی امرایی  
 دبیر هیئت تحریریه: مبینا نجاری  
 اعضای هیئت تحریریه:  
 علی عسگری، مبینا نجاری  
 سپهر صبوری فرد، رضامهوشی



## سید علیرضا تقدیری

کارشناسی علوم سیاسی و کارشناسی فقه و حقوق اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون هفتمین شماره از مجله خبری-تبیینی افق تحلیل را مطالعه می کنید و دومین سالی است که همراه شما هستیم

مجله افق تحلیل در نظر دارد از این شماره بصورت پرونده محور فعالیت خود را ادامه دهد و زین پس هرماه را به یک موضوع اختصاص دادیم. از سوی دیگر مجوز امر به معروف و نهی از منکر مسئولین نیز برای مجله صادر شد و بزودی شاهد شروع فعالیت این کمیته نیز خواهیم بود. باتوجه به فصل امتحانات دانشگاه مطالب این ماه نسبت به ماه های اخیر کمتر است و از این بابت پوزش می طلبیم.

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما مخاطبان گرامی هستیم.

# ازدواج ، از مسئله تا بحران

علی عسگری

کارشناسی علوم سیاسی



که باعث می گردد نتایج مخرب اجتماعی داشته باشد که به مراتب هزینه های مادی و معنوی بیشتر نسبت به اقدام آن دارد . طبیعی خواهد بود که سیر شکل گرفته در بیست سال اخیر ، باعث گردیده ؛ وضعیت ازدواج به بحران ترین وضع خود در ۱۰۰ سال اخیر گرفتار شود . در اینجا گزارشی از عوامل به وجود آورنده این بحران ذکر میکنیم البته که آسیب شناسی این عوامل از محدود بحث ما خارج است .

۱.سیاسی :

— عدم رعایت زمان سیاست جمعیتی :

در سال های ابتدایی دولت سازندگی به علت رشد برق آسا جمعیت (آسان بودن ازدواج در دهه ۶۰) او با شعار (دوبچه کافی) و (فرزند کمتر ، زندگی بهتر) ، سیاست های اجتماعی خود را بنا گذاشت . این سیاست در ابتدا خدمات بهداشتی و درمانی را از فرزند سوم به بعد حذف و این قانون در سال ۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسید . این اقدامات باعث کاهش شدید رشد جمعیت شد به طوری که در مدت کوتاهی نرخ رشد از ۳.۲ درصد به ۱.۲ درصد رسید . این برنامه به حدی موفق بود که در سال ۱۹۹۹ میلادی دکتر علیرضا مرندی (وزیر بهداشت) موفق به کسب جایزه کنترل جمعیت سازمان ملل شد . اما مشکل اصلی در تحقق این برنامه نبود ، بلکه در تداوم آن بود به طوری که

پس از انتشار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری و ترسیم نقشه راهبردی انقلاب اسلامی که سرانجام منتهی به ایجاد تمدن نوین اسلامی است ، نیازمند دستیابی به ابزار متعدد است . یکی از مهم ترین ابزار ها برای ساختن تمدن اسلامی ، حفظ ، گسترش و تقویت خانواده است . خانواده مهم ترین وسیله هر جامعه ای در سیر جامعه پذیری و هدفمند کردی اصول و ضوابط اجتماعی است ، در واقع برای ساخت تمدن نوین اسلامی نیازمند یک خانواده قدرتمند هستیم در تمام ابعاد . از اواخر دهه هفتاد بود که بحث مهاجم فرهنگی شدت بیشتری گرفت و اشارات رهبر انقلاب در آن سال ها و اقدامات ایشان در جهت جلوگیری این حملات به کانون خانواده (یعنی جایگاه مادری) قابل توجه است . در این نوشتار قصد داریم گزارشی کوتاه از به حاشیه ای رفتن و بحرانی شدن وضعیت ازدواج ، که تشکیل خانواده را به مشکل انداخته ، به حدی که نرخ ازدواج به پایین ترین حد خود در سال های اخیر رسیده است .

— سیر مسئله تا بحران :

در علم سیاست گذاری امروزی زمانی یک دغدغه به مسئله تبدیل می شود که توجهی به آن نمی شود و در واقع بر روی آن عملی ایجاد نمی شود . در واقع سیر رسیدن یک مسئله به بحران با بی توجهی یا استیصال سیاسیون و مجریان همراه است



به طوری که از معیارهای اصلی و مشخص که دین اسلام آن را به طور حکمیانه بیان کرده مثل (عفت ، حیا ، ایمان و...) غافل شده اند و معیارهای ظاهری و مادی را جایگزین کرده اند. این رخداد باعث گردیده که در آمارها طلاق گوی سبقت را از ازدواج ربوده و به طور فزاینده در حال افزایش است .

### ۳. اقتصادی :

#### — عدم وجود ثبات اقتصادی :

یکی دیگر از عوامل مهم در بحرانی شدن وضعیت ازدواج ، شرایط اقتصادی طی چند سال گذشته است . تورم و گرانی افسار گسیخته ، مشکلات معیشتی ، بیکاری از مولفه های موثر در کاهش نرخ ازدواج و عدم رغبت و در اکثر موارد عدم توانایی جوانان در ایجاد یک زندگی است . باید توجه داشت در شرایط کنونی راه حل های کوتاه مدتی برای برون رفت از وضعیت اقتصادی و تسهیل در امر ازدواج جوانان وجود دارد که عبارتند از :

۱. برداشتن قوانین دست و پا گیر وام ازدواج و افزایش آن متناسب با تورم (ایجاد مناسبات درست که خود این وام بعدا تورم را نشود )

۲. ایجاد مسکن هایی مانند آن چیزی که در مسکن مهر رخ داد فقط برای زوج های جوان (مسکن اجاره ای دولتی )

۳. سیاست های تشویقی جمعیتی و تشویق و افزایش امکانات خانواده های پر جمعیت

مدت اجرای این سیاست ۵ ساله به مدت ۲۰ سال ادامه داشت و در حال حاضر کشور را در آستانه پیری قرار داده است . به تناسب کاهش امکانات فرزند آوری در خانواده ، رغبت جوانان نسبت به ازدواج کم شده و جوانان مجرد طلبی را ترجیح دادند و می دهند .

### ۲. فرهنگی :

#### --تهاجم فرهنگی (تغییر سبک زندگی )

عامل بعدی که باعث گردید نرخ ازدواج به شدت کاهش پیدا کند و در وضعیت بحران قرار گیرد تهاجم فرهنگی جهان غرب به ارزش های اسلامی و آرمان های انقلاب اسلامی بود . در اواخر دهه ۷۰ ما شاهد تهاجم گسترده فرهنگی به خانواده و در راس آن کانون آن یعنی زن و جایگاه مادری هستیم که با ابزارهایی از جمله (که با دیش های ماهواره شروع و به فضای بدون چارچوب مجازی ختم شده) که به ترویج سبک زندگی غربی ، ولنگاری ، زندگی اشرافی و ترویج فرهنگ اسراف و بی بند و باری و بی حجابی بود که آثار مخرب آن در سال های اخیر با وضوح بیشتری قابل رصد است . این دوگانگی ارزشی در تبلیغات یعنی از سویی دفاع ضعیف جبهه انقلاب اسلامی در ابتدا و حمایت جریان به اصطلاح روشنفکر از جریان غرب در داخل کشور باعث گردید که بسیاری از جوانان ، امروز خود مروج این فرهنگ و مدافع آن باشند . این دوگانگی ارزشی و تغییر در سبک زندگی باعث تغییر ذائقه ، تنوع طلبی و تغییر در معیار های انتخاب همسر گردیده است .

۴. ایجاد فضای کسب و کار محله ای و بهبود شرایط اقتصاد خرد مورد ذکر شده بالا در واقع نوعی راهکار قانونی است که در ذیل قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۲۷ آذر ماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی است .

#### ۴.۱.۴ اجتماعی :

#### — کج کار کردها و خرده فرهنگ ها :

علاوه بر فرهنگ غربی که تاثیرات زیادی در مبنای فکری و نوع خاصی برداشت از زندگی در برخی جوانان به وجود آورد؛ می توان به نوعی از کج کارکرد های و فرهنگ های غلط خودمان هم اشاره کنیم در اینجا به یک نمونه اشاره می کنیم :

مثل فرهنگ حسادت و چشم و هم چشمی های فامیلی که بسیاری از توقعات ناشی از رخدادهای و خواسته های عضو دیگر از خانواده است که در گذشته از آن برخوردار شده ، حال باید عضو جدید برابر یا بیشتر آن را داشته باشد . از این دسته خرده فرهنگ های مخرب زیاد است به طور نمونه بالا بودن مهریه برخی دختران به علت رسوم خانوادگی ، بالا بودن نرخ شیر بها ، دارا بودن شرایط مادی خوب خانواده پسر ( داشتن مسکن ، ماشین و....) مطالبه دختران برای برگزاری عروسی های تجملی و جهیزیه های گران بها و ..... این عوامل تنها گوشه ای از عوامل بحرانی شدن شرایط ازدواج است که به علت محدودیت، فقط بخشی از آن اشاره شد چرا که نیاز به موشکافی دقیق و عمیق دارد .

#### نتیجه :

باتوجه به شرایط کنونی بخشی از معضلات با حل شدن مشکلات اقتصادی حل خواهد شد اما نیازمند کارهای زمینه ای ، اعتقادی با محوریت اسلامی هستیم ، چرا که نیازمند خانواده ای با سبک و سیاقی که راهگشا و شکل دهنده تمدن اسلامی باشد هستیم .

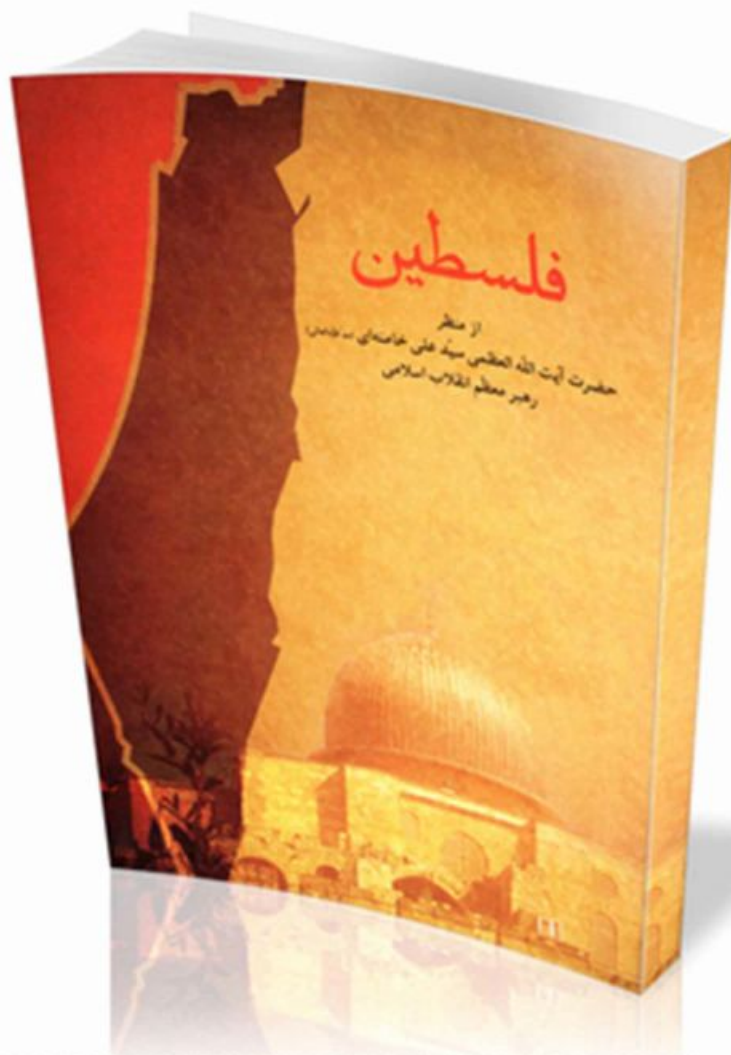
وضعیت بحرانی ازدواج بیشتر از اینکه به مردم و فرهنگ جامعه مربوط باشد که البته هست زاییده سیاست های غلط مجریان و سیاست گذاران است .

و من الله توفیق و علیه التکلان

# معرفی کتاب

## کتاب فلسطین

کتاب "فلسطین" از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با مقدمه‌ی دکتر علی اکبر ولایتی منتشر شده است. در این کتاب علاوه بر انتشار بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۷/۰۵/۱۳۵۹ (دومین روز قدس) در ۸ بخش شامل کلیات، شکست‌ها و پیروزی‌ها، مسئولیت‌ها، جنایات، راه حل‌ها، قهرمانان، روشنگری و آینده‌ی روشن به مرور بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پیرامون مسئله فلسطین پرداخته است. رهبر انقلاب در بخشی از بیانات خود فرموده‌اند: «دولت بی اصل و نسب؛ دولت جعلی؛ ملت دروغی. از اطراف دنیا آدمهای شریر را گرد آوردند و ملغمه‌های به اسم "اسرائیل" درست کردند! این ملت است؟! هر جا یهودیهای شریر و خبیثی بودند، در آنجا جمع شدند. در اغلب کشورها، یهودیها هستند و زندگی می‌کنند - در کشور ما هم هستند که زندگی‌شان را می‌کنند - کاری به کار کسی ندارند، کسی هم به آنها کاری ندارد. کشورشان است و در آن زندگی می‌کنند. آنهایی که به سرزمینهای اشغالی رفتند، خبیثها، شریرها، طمّاعها، دزدها و آدمکشها بودند که از همه جای دنیا جمع شدند. این شد یک ملت؟! ملت و دولتی که اینطور به وجود آمده است و اسم خودش را اسرائیل گذاشته، غیر از راه ترور، راهی ندارد؛ حرف حسابی ندارد. آن وقت، چنین موجوداتی با این دنائت و پستی و پلیدی، میخواهند دولت و ملت نورانی و سربلند و عزیز را مثل ایران را در افکار عمومی جهان متهم کنند. خود آنها از همه متهمتر، مجرمتر و روسیاهترند.»



## بخشی از مقدمه این کتاب:

«پیش از جنگ اول جهانی و در زمان سلطان عبدالحمید عثمانی گروهی از متنفذین یهودی به او پیشنهاد میکنند که سرزمین فلسطین را جهت اسکان یهودیان عالم به آنها بفروشد! جوابی که وی به آنها داد نشان‌دهنده‌ی تهمانده غیرت اسلامی در یک سلطان مستبد عثمانی است. وی میگوید: «ما تاکنون نشنیده‌ایم که یک آدم زنده (ولو محتضر) را کالبدشکافی کنند.» بعد از ناکامی عثمانی در فتح وین سقوط تدریجی این امپراطوری شروع شد.»

# از ارزان شدن گناه تا گران شدن ازدواج

مینا نجاری

کارشناسی علوم سیاسی



برخی جوانان می گویند شرایط جامعه به طوری است که ما مجبور به گناه کردن هستیم، یعنی مجبوریم با جنس مخالف ارتباط برقرار کنیم و الا مورد تمسخر و سرزنش از طرف دیگران واقع میشویم! اما در واقعیت اینطور نیست سخت بودن و فاسد بودن شرایط مجوزی برای گناه کردن نیست انسان میتواند از محیط گناه خودش را دور نگه دارد چه با امر به معروف و نهی از منکر و چه با جابه جایی از محیط گناه آلود و دور شدن از آن... حضرت یوسف(ع) می فرماید: قال رب السجن احب لی خدایا زندان برای من محبوب تر است از آنچه این زنان فاسد من را به آن دعوت کنند (سوره یوسف آیه ۳۳) در یک مصاحبه از یک آدم به ظاهر مشهوری می پرسند "چرا ازدواج نمیکنی؟" در جواب این سوال میگوید "فکر کن یکی بیاد که دیگه نره!" این نوع تفکر به صورت کلی ناشی از سبک زندگی هر روز با یکی بودن است! عشق قبل از ازدواج: افراد به دو دسته تقسیم میشوند دسته ای که درگیر عشق قبل از ازدواج شدند و دسته ای که درگیر نشدند منظور این نیست که از کسی خوشتان نیاید اگر قرار بر این بود ازدواجی هم صورت نمیگرفت به قول شهید بهشتی عاشق شوید زندگی به عشق ست که در درون انسان، آتش زندگی و شعله آن را برمی افروزاند و مسلمان عاشق ست (عاشق خدا، حق، عدل، انسان شدن و ملکوت) "عاشق" دنیا با همه زیندگی ها و فریبندگی ها برایش صرفا میدان ساخته شدن و ره پیمودن به سوی آن معبود و معشوق جاودانه است راه های درگیر نشدن با رابطه ی گناه قبل از ازدواج مهمترینش کنترل چشم و نگاه هست زیرا چشم دریچه ی قلب و اصلا با کسی شوخی ندارد راه دیگه اش کنترل ارتباط با نامحرم است... اما راه سومی هم هست که کل این راه ها را در بر میگیره اینکه درگیر عشق خدا بشید مطمئن باشید در مقابل علاقه های هیچ و پوچ میتونید بایستید خدا هیچ وقت ظلم نمی کند، اما تضمینی نداده که امتحانمان نکند... حواسمان باشد!... ازدواج... شغل... دوست... اینجا، همه چیز امتحان است... حواستان هست چقدر دل میشکنیم؟ حواستان هست به آمار طلاق؟ برای صورت نباید ازدواج کرد که برای سیرت طلاق گرفت! لیبرالها، منافقین و خود فروختگان غربی همه مشغول کارند، تا خانواده ایرانی نابود شود چه با فرزند آوری کمتر، چه با سخت شدن ازدواج، و چه با نابود کردن رویای مادری! هدف اما یکی است، کاهش جمعیت و تولید نسل شیعه! کشورمان رو به پیری میرود پنجره جمعیتی دارد بسته می شود جمعیتمان رو به کاهش است، تقریبا بیست میلیون جوان در انتظار ازدواج داریم تا سن ۲۹ سال، مسئولان فرهنگی، خیریه ها، وزارتخانه های جوانان، بهداشت، رفاه، آموزش عالی، آموزش، پرورش و مسکن و... هنرمندان، شعرا، رسانه ها خانواده ها مسکن و اشتغال جوانان را سامان دهیم تبرج و تجمل را کنار بزنیم ازدواج را ساده بگیریم بیایید برای جوانان کاری کنیم! دلار ۲۱ هزار تومانی و سکه ۱۰ میلیون تومانی تن هرکسی را که به فکر ازدواج باشد را می لرزاند آقای مسئول، ما با دیدن این همه جوانانی که آماده ی ازدواج هستند ولی شرایط اقتصادی خوبی ندارند و میترسند خجالت میکشیم! شما چطور!؟





## فرهنگ لُق

سپهر صبوری فرد

کارشناسی علوم سیاسی



یکی از مشکلات اساسی ما ایران از سال های دور فرهنگ (چشم و هم چشمی بوده) به طوری که در تمامی مسائل با هم رقابت داشتیم. این فرهنگ باعث شد که مشکلات زیادی در خصوص ازدواج برای جوانان پیش بیاید. به عنوان مثال جوانان ما حاضر به برگزاری یک جشن عروسی ساده و بدون تجملات نیستند و با پرداخت هزینه های میلیونی در این دوره که مشکلات اقتصادی فراوان است، عروسی هایی پر زرق و برق برگزار می کنند که هیچ فایده ای برایشان ندارد. زیرا تجمّل گرایی در فرهنگ ما جا افتاده هست، به جای فکر در مورد آینده اقتصادی زوج، افکار رو این است که مراسم عروسی جوری برگزار شود که تمامی فامیل ها به اصطلاح ایرانی (چشمشان در بیاید) علاوه بر این جوانان ما حاضر نیستند با وسایل زندگی ساده به خانه بخت بروند و حتما باید تمامی وسایل خارجی باشد تا بتوانند زندگی کنند و اگر مربا ساز و پلوپز و یخچال باید بای ساید نداشته باشند نمی توانند زندگی کنند حاضرند خود و خانواده را در شدیدترین فشار اقتصادی بگذارند تا با تجملاتی ترین نوع ممکن ازدواج کنند یکی دیگر از مشکلات ازدواج در این دوره توقعات بالای خانواده عروس در بحث مهریه و ثروت است. بعضی خانواده ها از جوانان بیست و چند ساله توقع دارند خانه چند میلیاردی و خودروی چند صد میلیون تومانی در اختیار داشته و علاوه بر این مهریه های نجومی در دخترانشان در نظر میگیرند. این فرهنگ های لُق جامعه ایرانی در حالی است که در غرب جوانان برای ازدواج هیچ مراسم پر زرق و برقی برگزار نمی کنند و تنها به زیر صد نفر مهمان و عصرانه بسنده می کنند. از وسایل خانه لوکس خبری نیست و خیلی از جوانان با اثاثیه دست دوم زندگی خود را آغاز می کنند پولی که میشد خرج فرهنگ لُق کرد را وارد بازار کار میکنند و زندگی خود را چند ساله می سازند. ما ایرانی ها به عنوان یکی از متمدن ترین جوامع بشری در طول تاریخ باید قصد کنیم برای زندگی بهتر جوانانمان دست از سنت ها برداریم مراسم های اشتباهی چون جهاز برون و نشان دادن سیسمونی داریم که ریشه در چشم و هم چشمی دارد. از اول آشنایی تا ازدواج تعداد زیادی مراسم برگزار می کنیم که هیچ لزومی ندارد آینده ای بهتر برای جوانان و ملت ما خواهان اراده ملی برای کنار گذاشتن عمل هایی است که صد ها سال است انجام میدیم اگر خانواده ها به جوانان بفهمانند که برای خوشبخت شدن احتیاجی به خرج های کلان نیست جوانان ما شادتر و همدل تر هم کنار هم زندگی می کنند. چه عشق هایی که بخاطر این چشم و هم چشمی ها نابود شدند. ای کاش خانواده ها میفهمیدند مهریه با هزاران سکه پشتوانه دختر نیست بلکه خانواده ای آگاه و شعوری دوجانبه پشتوانه یک خانواده است. اگر در این دوره با اقتصاد گریبان کشور بیشتر هوادار و پشت جوانان باشیم آینده ای روشنتر در انتظار ایران اسلامی است.

# اسلحه و معیشت

رضا مهوشی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی



متفاوت بود. علاوه بر تحریم های مسبق به سابقه، این بار معیشت و اقتصاد مردم ایران به طور مستقیم هدف گرفته شده بود. استراتژی ایجاد نارضایتی معیشتی در میان مردم ایران با هدف ایجاد دوگانه متنافی معیشت- هسته ای راهبرد جدید طرف های خارجی و البته برخی مغرضان و نفوذی های داخلی بود. از مهر ۱۳۸۲ تا کنون یعنی حدود ۱۷ سال اروپایی ها و البته آمریکایی ها رفتارهای خصمانه مختلفی از خود ارائه دادند که آخرین آن تصویب قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام سازمان ملل بود. این قطعنامه در ظاهر به ایران توصیه می کند که به روند همکاری با آژانس برگشته و اجازه بازرسی از دو مکان تعیین شده را بدهد. اما یقیناً هدف اصلی این قطعنامه توصیه اخلاقی به ایران برای همکاری با آژانس نیست. زیرا ایران با پذیرش یک نظام بازرسی ویژه طبق برجام، کمال همکاری با بازرسان آژانس را به نمایش گذاشته و برای بازرسی از دو مکان مورد نظر نیازی به راه انداختن چنین نمایشی نیست. از سوی دیگر و با نگاهی اجمالی به مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل که به دنبال تصویب برجام، صادر گردید، تحریم تسلیحاتی ایران در ۲۷ مهرماه امسال به اتمام می رسد. تروئیکای اروپایی پس از تصویب این قطعنامه، در بیانیه ای با بیان یک نکته خاص بسیاری از ابهامات را برطرف کردند: ما معتقدیم که رفع تحریم تسلیحاتی ایران براساس قطعنامه ۲۲۳۱ در ماه اکتبر، تأثیرات بزرگی بر امنیت و ثبات منطقه ای داشته باشد. ما خواستار آن هستیم که تحریم های اتحادیه اروپا در

در ۲۳ مرداد ۱۳۸۱ در محل هتل «ویلارد» واشنگتن؛ خبرنگاران برای ارسال یک خبر بسیار مهم لحظه شماری می کردند خبر را قرار بود سخنگوی گروهک تروریستی منافقین افشا کند؛ او تصاویری از نطنز، اصفهان و اراک را به نمایش درآورد و گفت که ایران به طور مخفیانه در دو نقطه تاسیسات غنی سازی اورانیوم و در اراک نیز راکتور آب سنگین دارد. خبر شوکه کننده و ناگهانی بود. این اتفاق سرآغاز مسئله و بحران مهمی در تاریخ معاصر ایران با نام «بحران هسته ای» بود. این اتفاق ایران را مجبور به مذاکره درباره تاسیسات هسته ای خودش نمود و همین جا نقطه ورود اروپایی ها به معادلات هسته ای ایران بود. بر خلاف تصور عموم مبنی بر اینکه طرف اصلی مقابل ایران آمریکایی ها هستند اما بررسی رخدادهای تاریخی نشان می دهد که اروپایی ها سردمدار مذاکراتی بودند که بعدها با عنوان مذاکرات هسته ای نامیده شد و منجر به تصویب برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام شد. اروپایی ها از ابتدا در نظر داشتند تا فعالیت های هسته ای ایران را به صورت کامل به تعلیق درآورده بود و با وارد ساختن فشارهای طاقت فرسا، ایران را وادار به عقب نشینی کنند. پس از مذاکرات اولیه که با عنوان مذاکرات سعد آباد شناخته می شود و تصویب توافق نامه پاریس بین ایران و سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس، فرانسه) صنعت هسته ای ایران تعطیل شد. پس از زیرپا گذاشتن محدودیت های هسته ای توسط ایران، دور جدید فشارهای بین المللی بر ایران آغاز گردید. محور این فشارها اما



برای پاسخ به این سوال دو احتمال مطرح می شود: احتمال اول همان چیزی است که آمریکایی ها و اروپایی ها بر آن تاکید دارند و آن اینست که این تحریم تسلیحاتی سبب جلوگیری از ورود اسلحه به ایران شده و امنیت منطقه را تثبیت می کند. آنها خرید جنگنده های پیشرفته ای همچون سوخو ۳۰ یا جی ۲۰ توسط ایران را شاهد بر مدعای خودشان گرفته و معتقدند که تمدید تحریم تسلیحاتی می تواند جلوی تبدیل ایران به یک قدرت منطقه ای نظامی را بگیرد. اما این احتمال نمی تواند کاملاً درست باشد: زیرا همه می دانند که ایران تقریباً بیش از ۹۰ درصد نیازهای نظامی خودش را برآورده می کند. به جز نوع خاصی از هواپیماهای جنگنده و برخی تکنولوژی های خیلی خاص نیاز چندانی به واردات اسلحه ندارد. کشوری که ماهواره به مدار زمین پرتاب می کند، کشوری که موشک های قاره پیما می سازد، ناو، زیردریایی انواع قایق، یدک کش و کشتی طراحی کرده و می سازد؛ انواع و اقسام و موشک های ضد کشتی، تاکتیکی و بالستیک در زرادخانه سهمگین خود دارد، در ساخت انواع و اقسام سامانه های پدافندی و راداری، جنگ الکترونیک، شنود و ارتباطی خودکفا شده باشد، کشوری که بیش از ۷۵۰ انواع و اقسام محصول دفاعی از بالگرد تا جنگنده طراحی می کند و در حوزه سایبری و پهپادی جزو قدرت های بزرگ جهان است، نیاز چندانی به واردات سلاح ندارد. احتمال دوم آن چیزی است که مایک پمپئو صراحتاً به آن اشاره می کند و آن چیزی نیست جز اینکه اتمام تحریم

حوزه صادرات تسلیحات متعارف و تکنولوژی موشکی به ایران، تا سال ۲۰۲۳، سر جای خود باقی بماند. این پازل وقتی تکمیل می شود که به پیش نویس قطعنامه آمریکا که به شورای امنیت ارائه داد توجه کنیم. طرح آمریکا نیز دقیقاً همین است که تحریم تسلیحاتی ایران را به صورت نامحدود تمدید کند. ایالات متحده در قطعنامه اش به نتیجه گیری جدیدترین گزارش «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل استناد کرده که مدعی شده بود سرمنشأ موشک ها و پهپادهایی که در چندین حمله علیه عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ مورد استفاده قرار گرفته بود، ایران بوده است. در این میان اما ایران نیز بیکار ننشست و بلافاصله پس از مطرح شدن طرح تمدید تحریم تسلیحاتی ایران از جانب آمریکایی ها و اروپایی ها، رشته امید خود را (هرچند بسیار دیر) از اروپا برید و با علنی کردن یک توافق ۲۵ ساله جامع و راهبردی با چین، خط مشی اقتصادی خود برای بهبود وضعیت معیشتی مردم را به طرف های مقابل گوشزد کرد. در واقع می توان گفت که در این حدود ۱۷ سال معیشت مردم ایران توسط مدعیان حقوق بشر و با وضع تحریم های شدید اقتصادی و تجاری و بانکی و .. به گروگان گرفته شده است و امید است که رویگردانی مقامات ایرانی از غرب و نگاه به جانب شرق با تکیه بر توان و ظرفیت های داخلی بتواند قدری از این فشار طاقت فرسا کاسته و وضعیت بحران زده اقتصاد کشور را کمی سامان دهد. اما دلیل اصلی تلاش طرف های غربی مبنی بر تمدید تحریم تسلیحاتی ایران چیست؟

راهبردی و بنیادین محسوب می‌شود که به عنوان نمادی از قدرت ملی، در معادلات جهانی نیز بسیار تأثیرگذار است. این موضوعی است که اقتصاددانان در حوزه توسعه بر آن تأکید داشته و معتقدند هزینه‌های نظامی باعث تولید زیرساخت‌ها و صنایع مادر شده و رشد اقتصادی کلان را موجب می‌شوند. ارزش افزوده حاصل از تولید و صادرات این صنعت می‌تواند آورده خوبی را برای کشورها ایجاد کرده و درآمد ناخالص ملی را افزایش دهد. با توجه به نکات گفته شده می‌توان اذعان کرد که یکی از گلوگاه‌های اقتصاد ایران و پیشرفت اقتصادی کشور، پیشرفت در عرصه صنایع نظامی است که اکنون مورد توجه دشمنان قسم خورده ایران قرار گرفته است و آنها در تلاش اند تا نگذارند که اتمام تحریم تسلیحاتی ایران، معبر را برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران و معیشت مردمانش باز کند. ترس از پیشرفت ایران در عرصه صنایع نظامی و به تبع آن عرصه های اقتصادی و سیاسی، باعث شده تا آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها مصداق بارز «الغریق یتشبث بکل حشیش» باشند و از هر حربه‌ای استفاده کنند تا نگذارند که ایران تبدیل به یک نمونه موفق در تامین مستقل و توأمان معیشت و قدرت باشد چون آنها نیز به خوبی می‌دانند که راز قدرت هر کشور و هر نظام سیاسی در همراهی و رضایت عمومی مردمان آن نهفته است که رضایت از معیشت و اقتصاد یکی از مهمترین انواع آن است و به همین دلیل در هر اقدام و تصمیم شان در صدد ایجاد نارضایتی‌های داخلی از وضعیت معیشت و اقتصاد ایران هستند.

تسلیماتی ایران موجب می‌شود تا ایرانی‌ها وارد بازار فروش سلاح شوند در این صورت ایران فروشنده تسلیحات است. آن هم نه تسلیحات معمولی بلکه تسلیحات امتحان پس داده، کاربردی و ارزان. و به همین دلیل است که پمپئو می‌گوید: ما نمی‌خواهیم اجازه دهیم که ایران به بزرگترین صادر کننده تسلیحات تبدیل شود. در واقع خرید تسلیحات توسط ایران برایشان مهم نیست بلکه از فروشنده شدن ایران بیم دارند. حالا اگر ایران فروشنده تسلیحات شود چه اتفاقی می‌افتد؟ صنعت تکنولوژی نظامی ایران خریدار محور است. یعنی تا سفارش نباشد اقدام به تولید به دلیل هزینه‌های بسیار بالای آن صورت نمی‌گیرد. وقتی سفارش گرفته شد، ایران اقدام به تولید کرده و طبعاً درآمد هنگفتی از فروش آن نصیب ایران خواهد شد که این درآمد می‌تواند در دو قسمت آر اند دی (R & D) یا همان تحقیق و توسعه صنایع نظامی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی مصرف شود و می‌تواند قدم مهمی در ایجاد یک اقتصاد موفق بدون وابستگی به نفت بحساب بیاید. تاریخ ثابت کرده است که اکثر قدرت‌های کنونی اقتصاد جهان ابتدا در صنایع نظامی پیشرفت کرده و سپس به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده‌اند. پیشرفت در صنعت نظامی باب ورود به پیشرفت اقتصادی و صنعتی است. و این همان چیزی است که آمریکا را می‌ترساند. صنعت دفاعی در تمام کشورها به دلیل برخورداری از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها و برجسته‌ترین متخصصان و تجهیزات، و همچنین به دلیل اهمیت راهبردی، به عنوان صنعتی



## مشکلات ازدواج

فریبا بی پوش

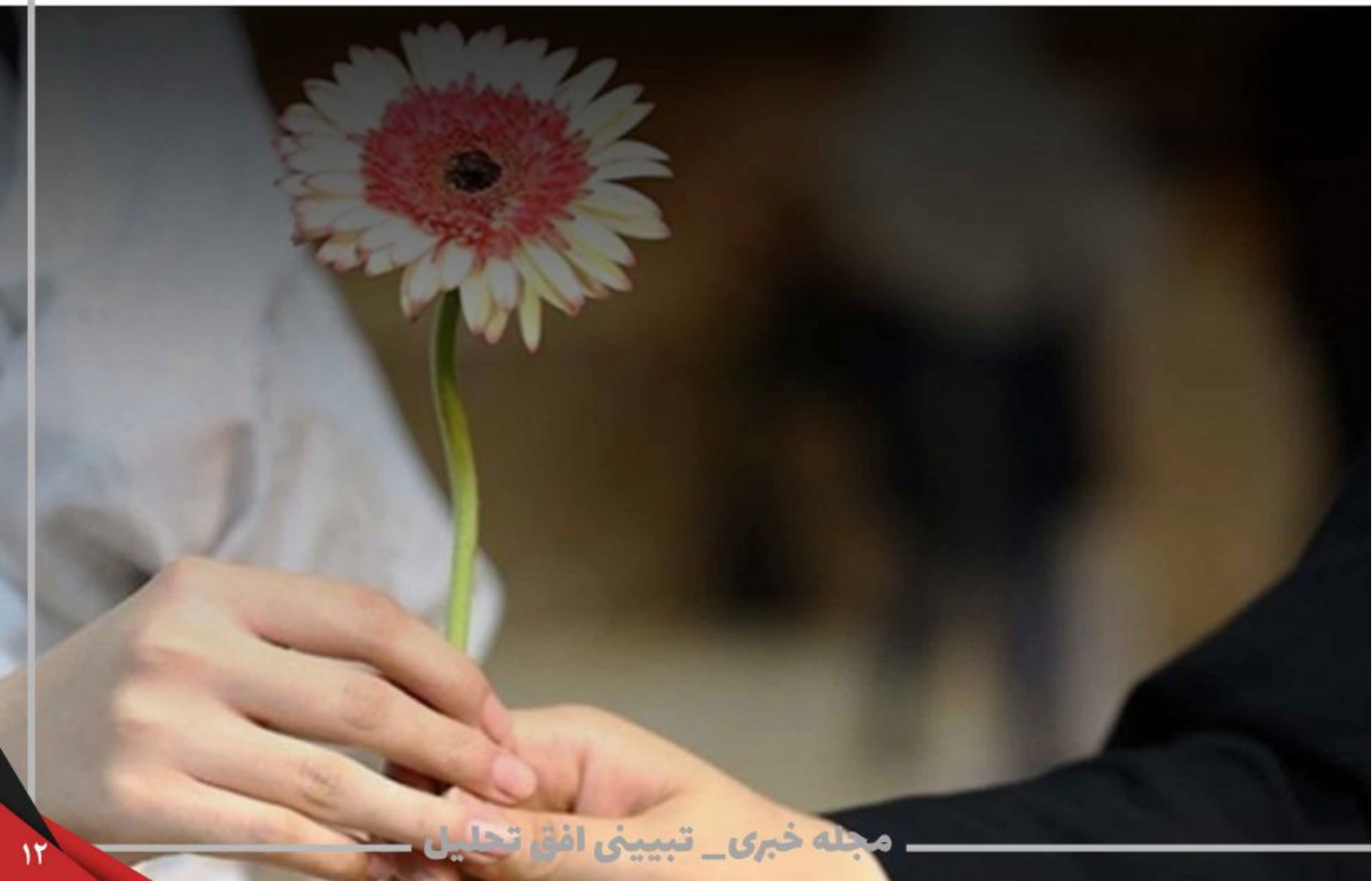
کارشناس آموزش زبان انگلیسی



آیا جوان امروز سخت‌گیر است؟ ((جوان‌های امروزی مشکل‌پسند شده‌اند، سخت می‌گیرند، زمان ما که ازدواج کردن انقدر سخت نبود، دختر و پسر اصلاً تا سر سفره‌ی عقد همدیگر را نمی‌دیدند.)) از بزرگترهایمان جملاتی از این دست بسیار شنیده‌ایم. جوان‌های امروز بارها متهم به سخت‌گیری‌های بی‌مورد شده‌اند، متهم به اینکه علاقه‌ای به پذیرش مسئولیت زندگی مشترک ندارند، به اینکه تمایلی برای متعهد بودن ندارند. اما آیا به راستی چنین است؟ تصور می‌کنم بهترین توصیف برای جوانان امروز واژه‌ی ( دوراندیش ) است و نه ( سخت‌گیر ). نمی‌توان از فردی که تحصیل کرده است، کتاب خوانده است، از اخبار روز دنیا آگاه است و دایره‌ی ارتباطاتش فراتر از مرزهای جغرافیایی رفته است انتظار داشت به آسانی ازدواج کند. چنین فردی قبل از انتخاب همسر تمام شرایط موجود را در نظر می‌گیرد و فقط در صورتی چنین مسئولیت مهمی را بر عهده می‌گیرد که به آینده، اطمینانی نسبی داشته باشد. این شخص شرایط مالی خویش را می‌سنجد، میزان هماهنگی درآمدش با هزینه‌های معمولی یک خانواده را بررسی می‌کند، ناپایداری‌های سیستم اقتصادی کشور را در نظر می‌گیرد و در نهایت اگر نتواند آینده‌ی روشنی در پیش روی خود ببیند دلسرد می‌شود. بیا بید به گذشته‌ای نه چندان دور برویم. دختر و پسر تصمیم به ازدواج می‌گرفتند و با شعار ( یک سال بخور نون و تره، صد سال بخور نون و کره ) سال‌های ابتدایی زندگی را می‌گذراندند و در بیشتر موارد پس از چند سال می‌توانستند خانه‌ای هر چند کوچک برای خود فراهم کنند، سالی چند بار سفری داشته باشند، چهار پنج بچه را بزرگ کنند و راهی خانه‌ی بختشان کنند. به زمان حال بازمی‌گردیم: دختر و پسر تصمیم به ازدواج می‌گیرند، با وام و قرض و بدهی عروسی می‌گیرند و زیر یک سقف اجاره‌ای زندگی را شروع می‌کنند. در ابتدا با شعار ( خانه‌ای خواهیم خرید نه فوراً ولی حتماً ) مشکلات را تحمل می‌کنند و یک روز وقتی از خواب بیدار می‌شوند و می‌بینند ارزش سرمایه‌شان یک سوم و حتی کمتر شده است و هزینه‌ی اجاره‌خانه و ضروریات زندگی چند برابر شده است شعار مذکور را پاک کرده و عبارت ( ورشکست خواهیم شد، نه فوراً ولی قطعاً ) را جایگزین می‌کنند. در چنین وضعیتی، مسئولان مربوطه به طرفه‌العینی جای شاک و متهم را عوض کرده و از زوجین گله می‌کنند که چرا به فرزندآوری بی‌علاقه شده‌اند

و در رشد جمعیت کشور تلاش نمی‌کنند. در این اوضاع نابسامان تلخ‌ترین جمله این است: (( مردم قناعت پیشه کنند.)) گیریم پدر و مادرها تحمل کردند و با زمزمه ی ( خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی \* ) روزگار گذراندند، آیا می‌توان به یک کودک دو ساله گفت شیر خشک نخور و چند سالی صبر کن تا شرایط بهتر شود؟ آیا می‌توان از یک دانش‌آموز خواست چند سالی کتاب و وسایل مدرسه تهیه نکند تا قیمت‌ها پایین بیاید؟ گفتیم جوان امروز دوراندیش است و تمام جوانب را در نظر می‌گیرد. او پس از بررسی مشکلات اقتصادی به تاثیرات آن بر سایر بخش‌های زندگی می‌اندیشد و درمی‌یابد بحران‌های مالی باعث بروز افسردگی، سرخوردگی اجتماعی و پایین آمدن آستانه‌ی تحمل افراد می‌شود. این مشکلات روحی باعث ایجاد تنش بین زوجین می‌شود، امنیت روانی فرزندان را به خطر می‌اندازد و در نهایت زندگی مشترک را به بن‌بست می‌کشاند. در چنین وضعیتی جوان مذکور یا باید بسوزد و بسازد یا از همسرش جدا شود و در این حالت پس از طی یک دوره‌ی پر تنش به خانه‌ی اول بازمی‌گردد. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است: (( آیا سری را که درد نمی‌کند، دستمال می‌بندند؟ )) جوان امروز نه منفی‌نگر است، نه سخت‌گیر، نه مشکل‌پسند. جوان امروز پوست کلفت‌ترین گونه‌ی نوع بشر است که افزایش چند صد برابری قیمت‌ها در شرایطی که درآمدها تغییر آنچنانی نکرده است، دیده و هنوز هم برای آینده تلاش می‌کند. جوان امروز کسی است که از بروزترین امکانات رفاهی جهان مطلع است و همچنان با حداقل‌هایش می‌سازد. جوان امروز مظلوم‌ترین نیز هست؛ در شرایطی که بیشترین فشار روحی و اجتماعی را تحمل می‌کند و در عین حال دست از تلاش برنمی‌دارد سرزنش می‌شود که چرا زندگی‌اش را سر و سامان نمی‌دهد. و در آخر برای آنان می‌نویسم که می‌توانند تغییری ایجاد کنند: شاید روزی قیمت‌ها به حالت قبل برگردند اما جوان‌ها به سال‌های طلایی عمرشان باز نمی‌گردند. تا دیر نشده... تا دیرتر نشده چاره‌ای بجوئید.

\* در این بازار اگر سودی ست با درویش خرسند است/ خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی حافظ





# محبوبم

زهرة صالحی

کارشناسی ارشد مهندسی مواد



تصدقت گردم؛ ثانیه ها بی تو خیال عبور ندارند. ساعت سَرِ همان ده و بیست دقیقه ای که رفتی خوابش برده و عزم بیدار شدن هم ندارد. به گواهی دلم روزهای زیادی از نبودنت می گذرد، اما به گواهی تقویم همین ده روز پیش بود که ساک به دستو پوتین به پا، چشم در چشمم دوختی و از خدمت مقدس سربازی حرف زدی. می خواستم مانع رفتنت شوم و بگویم که همه ی سختی های زن سرباز فراری مملکت بودن را به جان می خرم که مادرم را سر کوچه دیدم و برای آنکه شک نکند، مجبور شدم به راه انداختن آن تیتر الکی که مثلاً مزاحمم شدی و قصدت آزار من بوده است؛ لیک تو باید بابت کتک هایی که از آن قلچماغ های محل خوردی مرا ببخشی و دلگیر نباشی زیرا که راه دیگری نبود و ناگزیر بودم به صحنه گردانی آن نمایش کوتاه. تصدقت گردم؛ هنوز هم از یادآوری قیافه ی آن روزت خنده ام می گیرد که با آن کله ی کچل و چشمان گود رفته ات چطور حاج و واج مرا می نگرستی و کتک می خوردی. بگذریم... درست یک هفته پس از رفتنت بود که دست تقدیر گلی و حسن را از هم جدا کرد و گلی شد عروس کدخدا و حسن هم چوپان گله و آواره ی کوه و دشت. اینها را گفتم که بگویم تو باید قدر مرا بیش از گذشته بدانی که اینچنین وفادارت هستم و تمام سعیت را بکنی که زودتر این دو سال را بگذرانی و برگردی. راستی شنیده ام شهر پُر است از ماه رویان چشم رنگی دماغ عملی پولدار آیفون به دست. بدان که حتی اگر نیم نگاهت را هم به آن ها بیندازی چنان آهی می کشم که تا آخر عمر یک آب خوش از گلوی خودت و خانواده ات و هفت جد و آبادت و تمام ایل و تبارت پایین نرود و بدان و آگاه باش که سر این مسئله بسیار جدی و سختگیرم و ذره ای هم شوخی ندارم؛ لذا همین جا و در همین لحظه قول بده که طعم شیرین عشق را جز من باکس دیگری تجربه نخواهی کرد. بعد از این قضیه منجمله نگرانی های دیگر این روزهایم کفاف ندادن دخل بر خرج مان در آینده است. آخر تازه گی ها که خط فقر را کشیده اند نگاه کردم و دیدم همین الانش هم ما بیست هزار فرسنگ زیر آنیم و بی شک در آینده، زیر این بارِ خانه خراب کن لقب گوژپشت نتردام به خود می گیریم و شاید عاقبت مان هم شود عاقبت قبر خوابان و گورستان گردان! خنده دار است که همان گورهایی که قرار است یک روز ژنون برتر را در خود بگنجانند و خانه ابدیشان شوند، مدتی در این دنیا، در غُرَقِ ما و فرزندانمان بوده است. از مسکن که بگذریم به خوراک و پوشاک می رسیم. تو که حتماً از نرخ تورم و گرانی و این چیزها نیز مطلعی؛ نه؟ تو در اینجا هم باید خدای خود را شاکر باشی که چون منی داری زیرا که من در روزهای سرد و تلخ تنهایی به این موضوع ها نیز فکر کرده ام و برای حل هر کدام نیز راهی یافته ام. مثلاً راه حلم در مورد گرانی گوشت، نخوردن گوشت است. در مورد گرانی لبنیات نخوردن لبنیات است و حتی در مورد گرانی میوه نیز راه حلم نخوردن میوه است! مبادا غصه بخوری زیرا که تنها یک سال دیگر تا ۱۴۰۰ مانده.

بعد از ۱۴۰۰ راحت می توانیم به ۸ سال قبلش برگردیم و از اردیبهشت ۹۲ زندگی مان را شروع کنیم. منتها تو به این چیزها فکر نکن و همه ی فوکوست را روی گذران هرچه سریع این دوسال صرف کن، و خیلی خودت را ناراحت نکن. ما باید در این برهه ی حساس تاریخی خدایمان را شاکر باشیم که رده ی سنی مان به گرفتن وام ازدواج می خورد و چه خوشحالی از این بالاتر که به بچه هایمان نیز چهارصد و پنجاه و پنج هزار ریال از وجه رایج مملکت، یارانه ی نقدی تعلق میگیرد؟ محبوبیم؛ از حال و روز من اگر می پرسی، خوبیم؛ اما چیزهایی هست که با آنها بهتر می شوم. مثلاً تو اگر قول بدهی پس از ازدواج در جدال بین من و خواهرهایت پشت من بایستی است؛ یا اگر طلا ارزان شود که تو بتوانی از آن انگشترهای چشم درآر سکینه برایم بخری، من خیلی خوشحال تر می شوم. راستی از طاهره زن جعفر شنیدم که میان شب نشینی های پادگانان دوباره پای دست فرمان زنان را وسط کشیده ای و درباره ی پای پارک دوبل آنان سخنانی لغز بر زبان رانده ای؛ بدان و آگاه باش که پس از ازدواج با تو روزهای زیادی را فرصت دارم که تلافی همه ی این مسخره کردن هایت را بر سرت درآورم، آن هم با غذاهای سوخته و نپخته و شور و بد مزه! تصدقت کردم نمی دانم تو هم متوجه گذر زمان شدی یا نه؟! اما الاناست که مادرم بیاید و مچم را حین عریضه نویسی بگیرد، لذا سخن کوتاه کنم به اینکه فصل سرما نزدیک است. لطفا خودت را خوب بپوشان. دستهایت را همانطور که پروتکل های سازمان بهداشت جهانی می گویند، بشوی و فاصله اجتماعی را نیز رعایت کن. همانطور که در خانه ته سفره را در می آوردی آنجا هم خوب بلمبان مبدا که لاغر و نحیف گردی. تصدقت کردم بکوش همیشه در جای خوب سفره بنشینی مبدا که سهمت را از این سفره ی پهن شده برنداری و مبدا اجازه دهی که دیگری سهمت را بخورد. دوباره برایت نامه خواهم نوشت و منتظرت می مانم. دوستدار تو؛ دخترِ اصغر آقای کوچه پستی.





# THE PLATFORM

(EL HOYO)

A FILM BY  
GALDER GAZTELU-URRUTIA

## معرفی فیلم پلتفرم

فیلم پلتفرم به کارگردانی گالدو گازلو و نویسندگی David Desola در سال ۱۳۹۸ منتشر شد. داستان این فیلم مربوط به یک سازه عمودی است که تعداد زیادی انسان در آن زندانی هستند. در این زندان یا دخمه، همه سلول‌ها به صورت عمودی روی هم قرار گرفته‌است و از بالاترین طبقه (طبقه اول) تا پایین‌ترین طبقه ادامه دارد. در هر سلول ۲ نفر برای یک ماه زندگی می‌کنند و این افراد تا وقتی که یکی از آنها از بین نروند با هم هستند. ماه بعد افراد همه طبقه‌ها به طور کاملاً تصادفی جا به جا می‌شوند. انسان‌ها توافق کرده‌اند در این سازه محبوس شوند و تعدادی از آنها دوره حکم زندان خود را در آن می‌گذرانند و برخی داوطلبانه به آن آمده‌اند. سکویی برای گذارسازی به زندانیان وجود دارد که هر روز مقدار زیادی غذا روی آن وجود دارد. غذاها بر اساس سلیقه تمام زندانیان که در ابتدای ورود از آنها پرسیده شده است به بهترین نحو آماده می‌شود. این سکو از طبقه اول شروع به حرکت می‌کند و در هر طبقه (سلول) چند دقیقه توقف می‌کند و دو زندانی هر طبقه می‌توانند در این چند دقیقه هر مقدار غذا که می‌خواهند بخورند ولی اجازه ندارند از غذاهای روی سکو برای خود ذخیره کنند و فقط می‌توانند از آن بخورند. اتفاق معمولی که در این زندان اتفاق می‌افتد این است که طبقات اول بیش از اندازه‌ای که نیاز دارند غذا مصرف می‌کنند اما هیچ غذایی به طبقات پایین نمی‌رسد. شخصیت اصلی داستان به تشویق یکی از کارمندان سابق این سازمان تلاش می‌کند که این نظام ظالمانه زندان را به هم بزند....

این فیلم نخستین بار در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به روی پرده رفت که با استقبال مردم و منتقدان همراه بود.

# داستانک

فریده عبدالوهابی

کارشناسی مدیریت مالی



آخرین ایستگاه

نشسته بودم روی صندلی های آخرین ایستگاه خط قرمز مترویی که اندازه تمام آدم هایی که در روز جا به جا میکنه ازش خاطره دارم، بی آنکه پلکی بزنم ممتد نگاهم روی افعال دخترکی بود که التماس خریدن گلهاش تمام زمین رو خیس کرده بود، متوجه نگاهم شد. نزدیکم شد و نشست کنارم گفت: آقا گل میخوری؟ گل برای کسی که دوستش داری میخوری؟ با این حرف اندازه هزار سال پیر شدم، سرتی مغزم اجازه ی حرف زدن نمیداد. یاد روزهایی افتادم که به هر بهانه ای هر روز هفته، شاخه گلی مهمون قلبش میکردم. یاد روزایی که تو باغچه موهاش بابونه میکاشتم. یاد روزایی که اتاقش پر میشد از رزهای وارونه ای که منتظر خشک شدن بودن. یاد اون روزا که بخاطر نداشتن سقف بالای سر و کار درست حسابی باباش سیلی نه رو، روی گونه های من نشوند و همه عشق ها و احساسات ها و گل های خشک شده و حتی من رو ریخت یه گوشه از اتاق و کبریت کشید زیر بودن ها و نبودن هامون. یاد عروس شدنش و ترجیح پول به عشق و تصادف کردن و بدون خشک شدن، سوختن گلهای ماشین عروس...

دخترک رو نگاه کردم گیس هاش رو بو کشیدم و گفتم: کسی که دوستش دارم لای ریشه های این بهشت خوابیده دیگه نیازی به گل نداره وقتی خودش هر روز از چشم هام تا گونه هام جوونه میزنه و سرازیر میشه. دخترک دسته ی گلهاش رو روی صندلی گذاشت و گفت: کاش جای گل، فراموشی میفروختم تا دیگه ایجوری خودت رو پشت این خیال جا نداری.

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید



ofoghtahlil

 ofoghtahlil.ir